

آیا اسلام دین صلح و ثبات است؟

استعمارگر کافر از طریق رسانه‌های رسمی خود و نیز رسانه‌های وابسته در سرزمین‌های اسلامی، دروغی را با عنوان «خواست صلح و ثبات جهانی» تبلیغ می‌کند، به‌گونه‌ای که شنونده می‌پندارد سیاستمداران جهان در تلاش‌اند تا از ریخته‌شدن خون بی‌گناهان جلوگیری کنند و برای رفاه ملت‌ها می‌کوشند. طبیعتاً، حاکمان دست‌نشانده ما نیز نقش خود را در نشخوار کردن عبارات غرب و واژگان آن ایفا می‌کنند؛ به‌طوری‌که در هر مناسبت، با افتخار از تلاششان برای تحقق صلح، تضمین ثبات و مبارزه با گروه‌های «یاغی» که می‌خواهند منطقه را به جنگ بکشانند، دم می‌زنند. حتی زمانی که رژیم یهود با تجاوزات خود آن‌ها را تحقیر می‌کند، به‌جای واکنش، در برابر بت آمریکایی زاری می‌کنند که «اقدامات یهود، صلح را برهم می‌زند و ثبات را تهدید می‌کند!».

هر کس ذره‌ای بصیرت داشته باشد، درمی‌یابد که غرب استعمارگر کافر از مفاهیمی چون صلح و ثبات، همچون شمشیری برای سرکوب ملت‌هایی استفاده می‌کند که درصدد مبارزه با ظلم، غارت و تجاوز او هستند؛ درحالی‌که خود، هرگاه منافعش اقتضا کند، به اشغالگری و جنگ‌های ویرانگر دست می‌زند و در آن هنگام، صلح و ثبات ادعایی‌اش را به جهنم می‌فرستد!

مسئله مهم دیگری نیز وجود دارد و آن بدعتی است که تاجران دین و بوق‌های سلاطین به راه انداخته‌اند؛ آن‌ها ادعا می‌کنند که اسلام دین صلح است و یکی از اهداف آن، صلح است؛ و این‌که اسلام در پی صلح و ثبات و آرامش با تمام ملت‌های جهان است؛ و اینکه سیاست‌های کشورهای ما باید در راستای تحقق این هدف باشد؛ و هرکس در پی برهم‌زدن ثبات باشد، «تروریست» است که با احکام اسلام در تضاد است و در خدمت برنامه‌های مشکوک و ضدانسانی و ضدایدانی قرار دارد و در رأس آن‌ها، اسلام!

با اینکه این‌گونه اظهارات، آشکارا در خدمت طرح‌های کفار و پاسداری از ثبات سلطه آن‌ها بر منابع سرزمین‌های ماست، ضروری و فوری است که مسلمانان به‌ویژه فعالان عرصه اسلامی حقیقت دین خود و اصول شریعتشان را به‌درستی درک کنند، به‌گونه‌ای که واژگان و اصطلاحاتی را نپذیرند که معانی باطل و تحریف‌شده‌ای دارند و چهره واقعی شریعت اسلامی و هدف آن را مخدوش می‌کنند. ازاین‌رو، باید بر حقایق زیر تأکید شود:

تمام احکام شریعت بر محور تحقق هدفی اساسی می‌چرخد و آن، اقامه حق و نابودی باطل است؛ حتی اگر این امر به رویارویی با اهل باطل با استفاده از قدرت مادی نیاز داشته باشد، یعنی با جهاد و قتال؛ حتی اگر به شهادت برخی از ما و کشته‌شدن برخی از آنان بینجامد؛ حتی اگر مستلزم صرف هزینه‌های فراوان برای جنگ و نیازهای آن باشد و الله سبحانه‌وتعالی در این راه، پاداشی عظیم قرار داده و مجاهدان را به‌گونه‌ای بزرگ ستوده و به آنان وعده فردوس اعلیٰ داده است. پس آرامش، صلح و ثبات، در اسلام هدفی ذاتی نیست، بلکه هدف، یاری رساندن به حق و عدالت است، چراکه عدالت همان است که هر صاحب حقی را به حق خود می‌رساند.

و حق الله سبحانه‌وتعالی بر بندگان آن است که تنها او در زمین پرستیده شود و چیزی در پرستش با او شریک نگردد؛ ازاین‌رو، الله سبحانه‌وتعالی فرموده است: «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» «شِرک، واقعاً ستمی بزرگ است» و حق او آن است که کلمه‌اش برتر باشد و شریعتش چیره و احکام دینش نافذ؛ چنان‌که فرموده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» «اوست آن‌که رسول خود صلی‌الله‌علیه‌وسلم را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها چیره گرداند، هرچند مشرکان را خوش نیاید». پس روشن است از ذکر ناخشنودی مشرکان که آنان با برتری‌یافتن دین و شریعت با قدرت مادی مواجه خواهند شد و این با حالتی که اهل فریب از آن با عنوان صلح و ثبات یاد می‌کنند، در تضاد است. الله سبحانه‌وتعالی فرموده است: «وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونَ لَكُمْ وَرِيدُ اللَّهِ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ * لِيَحِقَّ الْحَقُّ لِلْبَاطِلِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ» «و زمانی که الله سبحانه‌وتعالی به شما وعده می‌داد که یکی از دو گروه از آن شماست و شما دوست داشتید که گروه بی‌زره از آن شما باشد، درحالی‌که الله سبحانه‌وتعالی می‌خواست تا با کلماتش حق را محقق سازد و ریشه کافران را قطع کند * تا حق را ثابت کند و باطل را نابود سازد، هرچند مجرمان را خوش نیاید». پس الله سبحانه‌وتعالی، رویارویی و جنگ در بدر را تدبیر فرمود تا ریشه کافران را قطع کند و حق را محقق سازد و باطل را نابود گرداند و الله سبحانه‌وتعالی فرمود: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّتْ صُلُوبُكُمْ وَمَسَاجِدُكُمْ يُدْكَرُ فِيهَا اسْمُ

الله كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» «به کسانی که مورد جنگ قرار گرفته‌اند، اجازه جهاد داده‌شده، چراکه آنان ستم‌دیده‌اند و یقیناً الله سبحانه‌وتعالی بر یاری آنان تواناست * آنان که به ناحق از خانه‌های خود بیرون رانده شدند، فقط به این جرم که گفتند: پروردگار ما الله سبحانه‌وتعالی است؛ و اگر الله سبحانه‌وتعالی برخی از مردم را به‌وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مسجدهایی که نام الله سبحانه‌وتعالی در آن‌ها بسیار یاد می‌شود، ویران می‌شد و یقیناً الله سبحانه‌وتعالی کسانی را که او را یاری می‌کنند، یاری خواهد کرد. بی‌گمان الله سبحانه‌وتعالی نیرومند و شکست‌ناپذیر است» و این نص صریح است بر این که سنت الله سبحانه‌وتعالی چنین است که کفار و ستمگران به دست اهل حق، عدل و توحید با قدرت دفع شوند و اگر چنین نبود، عبادتگاه‌ها ویران می‌شدند و کفر و ظلم و باطل بر همه‌چیز چیره می‌گشت.

الله سبحانه‌وتعالی فرمود: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» «و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای نباشد و دین همه‌اش از آن الله سبحانه‌وتعالی شود، پس اگر دست کشیدند، بی‌گمان الله سبحانه‌وتعالی به آنچه می‌کنند بیناست» و این سخنی روشن است در اینکه هدف موردنظر در اسلام، جلوگیری از فتنه مردم در دین‌شان و تحقق چیرگی «دین حق» بر عقاید و شریعت‌های باطل است و این که راه تحقق آن، قتال و جهاد است؛ و این، نقیض صلح و ثبات است.

الله سبحانه‌وتعالی خبر داده که ما را به جهاد و قتال می‌آزماید، با آن که نفس، کشته‌شدن و هزینه‌کردن مال در ابزارهای نابودکننده را ناخوش می‌دارد و بیان فرموده که الله سبحانه‌وتعالی خیر و جایگاه‌های آن را می‌داند و ما نمی‌دانیم اگر چنین گمان کنیم؛ پس فرمود: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» «جنگ بر شما مقرر شده، درحالی که آن را ناخوش می‌دارید؛ و چه بسا چیزی را ناخوش دارید و آن برای شما خیر باشد و چه بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما شر باشد؛ و الله سبحانه‌وتعالی می‌داند و شما نمی‌دانید» و فرمود: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * إِنْ يُمْسِكْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» «وسست نشوید و غمگین نباشید که شما برترید، اگر مؤمن باشید * اگر زخمی به شما رسیده، مردمی هم زخمی همانند آن دیده‌اند و این روزها را میان مردم می‌گردانیم تا الله سبحانه‌وتعالی کسانی را که ایمان آورده‌اند، بشناسد و از شما شهادتی بگیرد؛ و الله سبحانه‌وتعالی ستمگران را دوست ندارد».

پس این آیه برای کسی که بخواهد بفهمد، روشن می‌سازد که هدف اقامه حق، برطرف کردن ظلم و یاری شریعت، بر درد و رنج مقدم است. بلکه همه فداکاری‌ها در راه تحقق این هدف ناچیزند؛ و آنچه از شهادت و کشته‌شدن مسلمانان در راه جهاد پیش می‌آید، تدبیری الهی است که الله سبحانه‌وتعالی به‌وسیله آن، درجات کسانی را که بخواهد، بالا می‌برد و آنان را برمی‌گزیند.

همچنین، نصوص شرعی مسلمانان را به جهاد برای یاری دین و رفع ظلم از مستضعفان، هر کجا که باشند، فرا می‌خواند. الله سبحانه‌وتعالی فرموده است: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» «و چرا در راه الله سبحانه‌وتعالی نمی‌جنگید و [برای نجات] مردان و زنان و کودکانی که ناتوان شمرده شده‌اند [و] می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر که مردمش ستمکارند بیرون ببر و برای ما از جانب خود سرپرستی قرار ده و برای ما از جانب خود یآوری مقرر فرما؟».

بلکه قرآن، مسلمانان را از آغاز به صلح با کفار محارب بازداشته است؛ زیرا در این کار نوعی سستی در برابر باطل و اهل آن نهفته است. الله سبحانه‌وتعالی فرموده است: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ» «پس سست نشوید و به صلح نخوانید، درحالی که شما برترید و الله سبحانه‌وتعالی با شماست و هرگز پاداش اعمال شما را کم نمی‌گذارد». پس اگر آنان پیش‌قدم در صلح شوند، باید شرایط امر را از حیث خدمتی که به‌حق می‌کند بررسی کنیم؛ آنگاه آن را بپذیریم یا رد کنیم، بر پایه همین معیار.

بنابراین، صلح و ثبات هدفی از اهداف اسلام نیست؛ بلکه غایت اسلام، اقامه حق و برچیدن ظلم است حتی اگر در این راه خون‌ها ریخته شود و اموال فراوان خرج گردد و امروز بر امت واجب است که هر چه دارد، در راه بازگرداندن دولت و موجودیت اجرایی‌اش «خلافت» فدا کند؛ همان که تلاش‌های امت را گرد می‌آورد و توان آن را برای اقامه حق و نابودی باطل بسیج می‌کند.

برگرفته از شماره ۵۴۶ جریده‌الرایه